

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسؤولان، قضات و کارکنان قوه قضاییه - 7 / تیر / 1382

بسم الله الرحمن الرحيم

به همه حضار محترم، بخصوص برجستگان علمی و عملی قوه قضاییه خوشامد عرض می کنیم و به همه کسانی که در راه استحکام قوه قضاییه و جهت عدل و حق دادن هرچه بیشتر به این قوه تلاش کرده اند و مخلصانه نیروی خود را در این راه گذاشته اند خسته نباشید می گوئیم؛ مخصوصاً به رئیس محترم این قوه حساس که به فضل پروردگار شخصیت جامع علمی و فکری و عملی محسوب می شوند - مجتهد، روشنفکر، خوشفکر و فعال - که این از نعم بزرگ الهی بر ماست. همچنین یاد شهیدان گرانقدر هفتم تیر، بخصوص شهید مظلوم، مرحوم آقای بهشتی رضوان الله علیه را که يك عنصر قوی، مستحکم و بشخصه يك پرچم برافراشته در سیر انقلاب بود گرامی می داریم. شخصیت ایشان و نقاط برجسته ای که در ایشان وجود داشت و خدمات ماندگاری که برای نظام اسلامی و کشور کرد، فراموش نخواهد شد.

يك جمله درباره حادثه مهم هفتم تیر عرض کنیم و آن این است که شاید از همه ابعاد متعددی که این حادثه داشت، این بُعد جالبتر باشد که این حادثه نشان داد ضربه های سهمگینی از این قبیل هم حتی نمی تواند به استحکام بنای جمهوری اسلامی که به ایمان و حضور مردم تکیه کرده است، خللی وارد کند. این حادثه، حادثه کوچکی نبود. چنین حادثه ای در هر نقطه دنیا که اتفاق بیفتد برای فرو ریختن يك نظام کافی است. این همه اشخاص مؤثر، مهم، خوشفکر و مبارز، به دست جنایتکار تروریستها در يك لحظه از بین بروند و نظام آن را تحمل کند و از آن وسیله ای برای استحکام هرچه بیشتر خود به وجود آورد! این چیز شگفت آوری بود؛ این به برکت حضور و ایمان مردم و به برکت استحکام ساخت درونی نظام اسلامی بود و به فضل پروردگار، همیشه همین طور خواهد بود. درباره قوه قضاییه دو سه نکته را عرض می کنم. یکی این که اهمیت این قوه به این است که با اعتماد به نفس و رعایت ضوابط و موازین، کار خود را با قدرت و قاطعیت دنبال کند. خدای متعال موفقیتها را نصیب مجموعه ای خواهد کرد که با ایمان به کار و راه خود و با به کارگیری شیوه های درست و منطقی، دنبال هدف باشد؛ این هرگز تخلف نمی شود. همه توفیقات شما هم در این سالها - که جناب آقای شاهرودی به بسیاری از آنها اشاره فرمودند - ناشی از این معناست. اگر انگیزه های سیاسی و موزیانه را نادیده بگیریم، در وضع عادی هم قوه قضاییه کسانی را دارد که از آن ناراضی باشند؛ چون طبیعت قضاوت این است. اگر انگیزه های گوناگون موزیانه هم دخالت کرد، آن گاه این معنا تشدید می شود. در چنین اوضاع و شرایطی که برای مجموعه قضایی پیش آید، درس بزرگ این است که با اعتماد و اتکای به نفس و استمداد از خداوند متعال و تصحیح روزبه روز کارها و بر طرف کردن اشکالها، راه خود را به سمت اهداف عالیله ادامه دهد و بداند که صلاح دنیا و آخرتش در این است. این، هم خدا را راضی خواهد کرد و هم دلها و افکار مردم را به حقانیت مجموعه قضایی متوجه خواهد نمود. «و کفی بالله حسيبا»؛ حسابگر و قضاوت کننده واقعی در مورد اعمال و رفتار انسان، خداست و همین کافی است.

شما ملاحظه کنید، خداوند متعال حبيب خود، پیغمبر مکرم و معظم را در امتحان دشواری قرار داد که در آن واقعه بیشترین چیزی که در تهدید لطمه بود، آبرو و اعتبار خود پیغمبر بود؛ قضیه ای که در سوره احزاب بیان شده است: «و اذ تقول للذی انعم الله علیه و انعمت علیه، أمسک علیک زوجک و اتق الله و تخفی فی نفسك ما الله مبديه». در این حادثه، افکار و عواطف عمومی ممکن بود علیه پیغمبر تحریک شود؛ موضع، موضع تهمت بود؛ «و تخشی الناس و الله احق ان تخشاه». خدا به پیغمبرش می گوید ملاحظه حرف این و آن را می کنی، در حالی که باید ملاحظه خدا را بکنی. و پیغمبر ملاحظه خدا را کرد و این امتحان بزرگ و بسیار دشوار را از سر گذراند. در این جاست که این آیه تکان دهنده ذکر می شود: «الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه و لا یخشون احداً الا الله». لازمه تبلیغ رسالات الهی این است. عده ای را بر اثر اشتباه یا سوءفهم یا تبلیغات خصمانه و موزیانه در مقابل انسان قرار می دهند؛ راه مقابله فقط این است که انسان محاسبه خدایی را ملاک قرار دهد. لذا در پایان همین آیه می فرماید: «و کفی بالله

حسیبیا»؛ خدا محاسبه کننده است؛ اوست که قضاوت خواهد کرد که من و شما در این راه، درست حرکت کرده ایم یا نه. اگر خدا این طور قضاوت کرد، آن وقت خاصیت با خدا بودن این است که خودِ خدای متعال متکفل اصلاح نظر مردم هم خواهد بود: «من أصلح ما بينه وبين الله أصلح الله ما بينه وبين الناس». خدای متعال خودش این بخش قضیه را هم به عهده می گیرد؛ کما این که در قضیه پیغمبر به عهده گرفت و حقیقت را روشن کرد.

شهید عزیز ما، مرحوم بهشتی هم بزرگترین امتحانش این بود. آن مقداری که در آن دوره به این سیّد بزرگوار نورانی ارزنده برجسته، دستهای تبلیغاتی دشمن تهمت زدند، به کمتر کسی از عناصر انقلاب در طول زمان این همه اهانت‌های خصمانه و بغض آلود کردند. گفتند انحصار طلب است، متکبر است، قدرت طلب است، دنبال دیکتاتوری است؛ اما او راه خود را با قدرت و قوّت طی کرد. البته جان خودش را گذاشت؛ اما در واقع با استقامت در این راه، جان و حقیقت و هویت خودش را به عرش اعلی رساند. همه اینها برای ما درس است. اولین توصیه ما به قوّه بسیار مهم و مؤثر قضایی این است که هدف را درست انتخاب کند؛ راه را بر طبق موازین انتخاب کند؛ قدم در آن راه بگذارد و با قوّت و اعتماد به نفس و اتکال به خدا پیش برود و ملاحظه این را نکند که يك عده جوسازی و بدی و مودیگری و بی انصافی می کنند. خدای متعال اینها را اصلاح خواهد کرد؛ این اساسی ترین کاری است که قوّه قضاییه - که بحمدالله موفقیت‌های زیادی داشته است - در ادامه این راه برای رسیدن به قلّه قضای اسلامی باید در نظر بگیرد و پیش برود. البته همین جا این نکته را هم اضافه کنم: تبیین حقیقت و اطلاع رسانی به افکار عمومی هم مهم است؛ این را هم نباید فراموش کرد. نباید مردم را در ابهام باقی گذاشت. در قضیه نبی مکرم علیه وعلی آله التحیة والتثناء، خدای متعال از طریق همین آیه اطلاع رسانی هم کرد؛ یعنی حقیقت قضیه را نشان داد و فهماند این اقدام خطرناک و بسیار جلب کننده سوءظن افکار عمومی که برای پیغمبر به وجود آورد، برای این است که يك ست غلط عملاً در جامعه شکسته شود. «ما كان على النبي من حرج فيما فرض الله له»؛ خدای متعال بر او واجب کرد این کار را انجام دهد، برای این که این ست غلط که فرزندخوانده را در حکم فرزند بدانند - که مشکلات فراوانی را در نظام اجتماعی آن روز به وجود می آورد - در میان مردم از بین برود. برای این کار، پیغمبر را به عنوان يك قربانی حقیقت وسط میدان آورد؛ اما از پیغمبرش دفاع کرد؛ اطلاع رسانی هم نمود. بنابراین اقدام بکنیم، اما حقیقت را هم برای مردم تبیین نماییم. بدون تبیین حقیقت، افکار عمومی در ظلمت و فضای غبارآلود باقی خواهد ماند و دشمن سوءاستفاده خواهد کرد.

نکته دوم این است که نظام اسلامی و هر نظامی به قوّه قضاییه ای نیاز دارد که هم مقتدر و هم مورد اعتماد باشد؛ این دو رکن در کنار هم لازم است. مورد اعتماد بودن به معنای این نیست که انسان برای وجاهت مردمی، از قدرت آن دستی که ضامن اجرای قوانین است، بکاهد. اساس قوّه قضاییه برای حفظ قانون است. امروز بحمدالله در کشور ما همه مسؤولان دم از تبعیت از قانون می زنند. این امر بسیار مثبتی است؛ حفظ قانون، رعایت قانون. حفظ و رعایت قانون چگونه تضمین می شود؟ يك راه تضمین وجود دارد و آن، قدرت قوّه قضاییه است. کسانی که اقتدار قوّه قضاییه را آماج حملات خود قرار می دهند، بدانند که به بی قانونی و هرج و مرج و ابطال و تضییع حقوق ضعفا کمک می کنند؛ چون قوّه قضاییه بازو و پنجه قدرتمند نظام است، برای این که گریبان متجاوز و متخلف از قانون را بگیرد و او را سر جای خود بنشانند تا مردم بتوانند در پناه قانون زندگی کنند. پس، اقتدار قوّه قضاییه يك اصل است، اما در عین حال این اقتدار باید به نحوی باشد که اعتماد مردم جلب شود و این با همین اصلاحاتی است که در قوّه قضاییه طراحی شده است و باید با قدرت تمام دنبال شود. کارهایی که اشاره کردند، بسیار مهم است. علاوه بر اینها، انبساط عدالت در سرتاسر دستگاههای قوّه قضاییه تا رده های پایین در همه جای کشور است. هر دادگاهی در هر نقطه ای که مرجع جمعی از مردم است - ولو جمع کوچکی - باید به نحوی عمل کند که دلگرمی و اعتماد مردم را به خود جلب کند؛ یعنی همه مطمئن شوند که این هسته قضایی که در این جا مستقر است، بر طبق قانون و عدل حکم خواهد کرد. طبیعی است اکثر مردم - که اکثر مردم خوبند - خشنود و دلگرم خواهند شد؛ اقلیتی هم که متجاوزان و خودسرها و متعدیان به حقوق دیگران هستند، نگران خواهند گردید. این نگرانی، نعمت بزرگی است. بدانند که این پنجه قوی، در آن نقطه از کشور هم کارآمد است. شرط اعتماد مردم به قوّه قضاییه این است. من مکرر

به دوستان و برادران این نکته را عرض می‌کنم که از تخلف قضایی حتی در گوشه ای از کشور هم نباید اغماض و صرفه نظر کرد؛ چون بدنه متصل به مردم، همین بخشهای منتشر در سرتاسر کشور هستند؛ مردم با اینها تماس دارند و نزدیکند. قضاوت درباره آنها، تعمیم پیدا می‌کند به قضاوت در کل قوه قضاییه. گاهی می‌بینید یک قاضی یا یک کارمند قضایی در نقطه ای از کشور خدای نکرده به نحوی عمل می‌کند که نظر جمعی از مردم را نسبت به کل قوه قضاییه برمی‌گرداند و همه این زحمات و خدمات و تلاشهایی را که این قدر هم قیمت دارد، به کلی از بین می‌برد. بنابراین، هم اقتدار قوه قضاییه یک اصل است، هم معتمد بودن آن. باید به گونه ای عمل کرد که دل مردم گرم باشد.

نکته دیگری که آن هم به نظر من مهم است و بحمدالله کارهای خوبی شده است؛ من اطلاع داشتم و حالا هم فرمودند، طرح کلی یک قوه قضاییه صدرصد اسلامی و عادلانه و منطبق بر پیشرفتهای فنی و علمی موجود دنیا است - طرح کلی قوه قضاییه که تهیه شده است - روی این کار باید خیلی سرمایه گذاری کرد. کار قضایی یک کار تخصصی محض است. کسانی که وارد میدان طراحی برای قوه قضاییه می‌شوند، باید از علم و تجربه و هوشمندی برخوردار باشند؛ هم حقوق بدانند، هم فقه اسلامی بدانند، هم با قوه قضاییه آشنا باشند، هم ارزیابی درستی از وضع موجود داشته باشند و نقاط قوت و ضعف آن را بدانند، هم نیازهای جامعه را به درستی بشناسند و هم از نظر صاحب نظران گوناگونی که در حوزه و دانشگاه هستند، درباره مسائل قوه قضاییه، بخصوص مسائل کلان آن مطلع باشند. بر اساس اینها، این طرح به عنوان یک مجموعه کلی ریخته شود. این مهمترین کار در قوه قضاییه است. اگر به فضل پروردگار این کار به خوبی و با استحکام کامل انجام گیرد، تا سالهای متمادی قوه قضاییه می‌داند باید چه کار بکند؛ چه بخشی را احداث کند، چه بخشی را ترمیم کند، چه بخشی را اصلاح کند و چه بخشی را بردارد. بهترین متخصصان در این زمینه ها باید در رأس این کار باشند و درباره این مسأله نظر بدهند.

مسأله امنیت قضایی هم که در برخورد و مراجعه و مواجهه با دستگاه قضا، مردم احساس امنیت کنند، بسیار مهم است. این نگاه بسیار دقیق و حساس و جستجوگر را در درون قوه قضاییه می‌طلبید. بحمدالله ما در قوه قضاییه، قضاوت پاکدامن، شریف، دانا، مسلط بر کار و باوجدان خیلی داریم. الحمدالله بدنه قوه قضاییه، بدنه بسیار خوبی است؛ منتها در هر مجموعه ای باید همیشه انسان این بیم را داشته باشد که آدمهای سست بنیاد، سست عقیده و سست عمل حضور دارند. از این احتمال نباید صرف نظر کرد؛ باید دائم مثل دوربینی که با نورافکن محوطه ای را جستجو می‌کند، چشمهای جستجوگر مسؤولان عالی قوه، به طور دائم در داخل قوه قضاییه جستجو کند؛ آن گاه امنیت قضایی به معنای واقعی کلمه به وجود آید. اگر امنیت قضایی به وجود آمد، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت اخلاقی و امنیت فرهنگی هم به وجود خواهد آمد. ملاحظه می‌کنید امروز دشمنان، امنیت اجتماعی و مدنی ما را هدف قرار داده اند؛ این چیزی است که به طور واضح و جلو چشم، همه می‌بینند و مشاهده می‌کنند. دشمنانی که با اساس جمهوری اسلامی مخالفند، امروز بهترین راه اعمال مخالفت خود را در این پیدا کرده اند که امنیت کشور را به خطر بیندازند. علاوه بر امنیت اخلاقی و فرهنگی که چند سال است دشمن روی آن با شدت کار می‌کند - که مکرر به عنوان هشدار به مسؤولان، تهاجم فرهنگی دشمن را یادآور شده ایم - و علاوه بر امنیت سیاسی که دشمن در حرکت سیاسی کلان نظام می‌خواهد اختلالاتی ایجاد نماید، امروز در صدد است امنیت اجتماعی و مدنی مردم را از بین ببرد.

ما جزو کشورهایی هستیم که به توفیق پروردگار بیشترین امنیت اجتماعی و مدنی را داشته ایم. سالهاست که آحاد مردم با آرامش و همبستگی در امنیت زندگی می‌کنند. می‌خواهند این را از بین ببرند؛ می‌خواهند کاری کنند که یک انسان در جامعه، بر مال و فرزند و جوان و بر تحصیل و ادامه راه خود به سوی آرمانهایی که هر شخصی دارد، هیچ گونه امنیت و تضمینی نداشته باشد؛ این عیناً همان نقشه ای است که اول انقلاب طراحی کردند تا امنیت را از بین ببرند. آن روز هم هدف اصلی را امنیت جامعه قرار دادند. آن روز هم می‌گفتند آزادی نیست و به بهانه دروغین مطالبه آزادی، امنیتی را که بتدریج مستقر می‌شد، می‌خواستند نگذارند مستقر شود؛ اما نظام بر این حرکت دشمن فائق آمد. امروز هم به بهانه دروغین و مزورانه مطالبه آزادیهای مدنی می‌خواهند امنیت مدنی و اجتماعی را از بین

ببرند، که باز هم فائق نخواهند آمد. باز هم دشمن در مقابل اراده ملت ایران و در مقابل ایمان و ایستادگی این مردم، بسیار ضعیف و زبون است. این را دشمن بارها تجربه کرده است، باز هم تجربه خواهد کرد. بالاخره عدّه ای از مردم را دچار مشکل می کنند. دستگاهی که در این قضایا می تواند نقش ایفا کند، از جمله، دستگاه قضایی است. البته دستگاههای اجرایی و سیاسی کشور هم نقشهای مهمّ و فعّال دارند و بحمدالله امروز همه متوجّه مسؤولیتهای خود در این زمینه ها هستند. دستگاه قضایی هم نقش بسیار مهمّی دارد و این ان شاءالله با توجه به امنیت قضایی مردم و با رعایت آداب قضا در اسلام و حفظ حقوق مردم در همه مراحل قضا، تأمین خواهد شد. امیدواریم خداوند متعال به شما کمک کند و همه ما را هدایت فرماید به آنچه رضای او و صراط مستقیم او در آن هست و قلب مقدّس ولیّ عصر ارواحنافداه از همه شما خشنود و راضی باشد و ان شاءالله بتوانیم شاهد پیشرفت روزافزون کارهای شما در این زمینه های بسیار حسّاس و مهم باشیم. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته